

Level 2

Persian / English

Marzieh Mohammadian Haghighi

Ingrid Schechter

Ingrid Schechter



Tingi and the Cows

تینگى و گاوه

This story originates from the African Storybook (africanstorybook.org) and is brought to you by Storybooks Canada in an effort to provide children's stories in Canada's many languages.



This work is licensed under a Creative Commons

[Attribution 3.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/3.0).

<https://creativecommons.org/licenses/by/3.0>



تینگى با مادر بزرگش زندگی می‌کرد.

...

Tingi lived with his grandmother.

He used to look after the cows with her.

...

او عادت داشت که با مادرش از گاوها مراقبت کند.





یک روز سربازها آمدند.

...

One day the soldiers came.

They crept home very quietly.

...

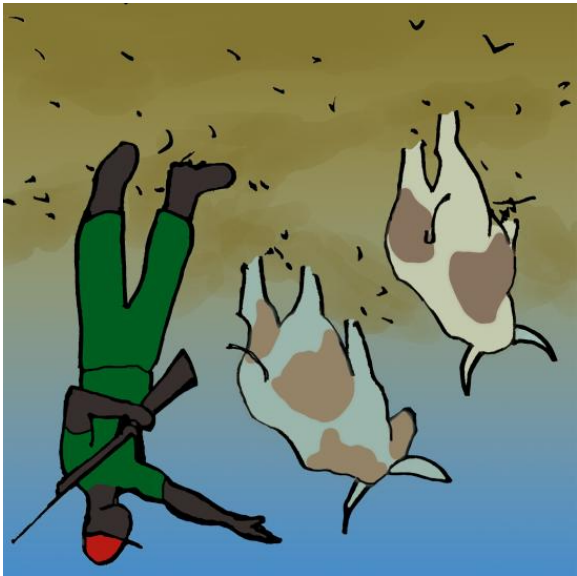
آنها خیلی آرام به خانه رفتند.



They took the cows away.

...

آنها گاوها را با خودشان بردند.





تینگى و مادر بزرگش فرار کردند و پنهان شدند.

...

Tingi and his grandmother ran away and hid.



وقتی که همه چیز آرام شد، تینگى و مادر بزرگش بیرون آمدند.

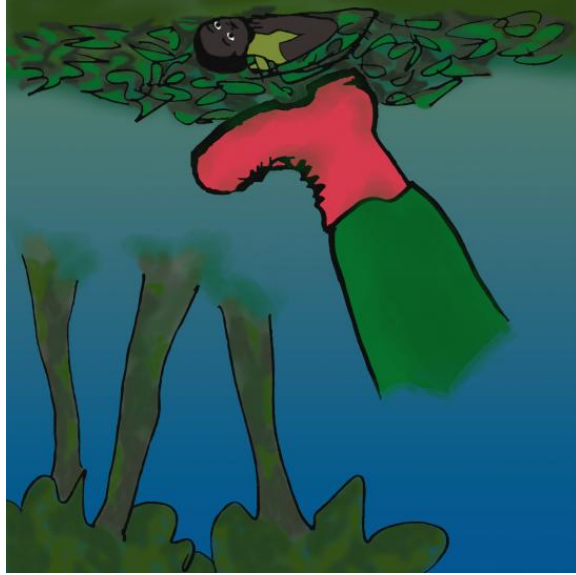
...

When it was safe, Tingi and his grandmother came out.

One of the soldiers put his foot right on him,
but he kept quiet.

...

او از سربازها پایش را درست روی تینگی گذاشت ولی او
بیکی از سربازها پایش را درست روی تینگی گذاشت ولی او ساکت ماند.

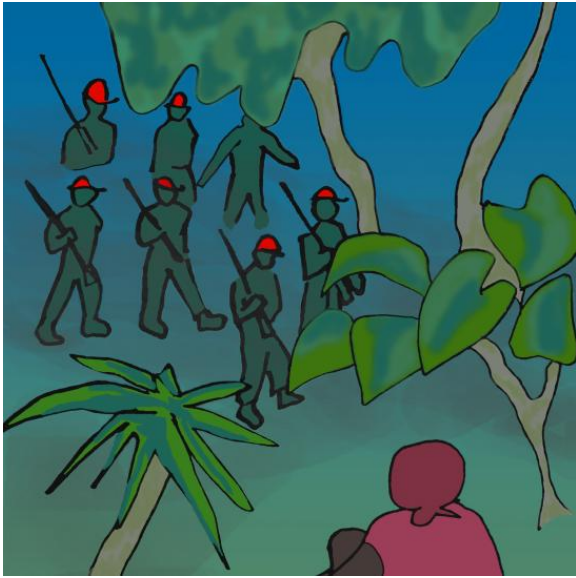


They hid in the bush until night.

...

آنها در یک بوته تا شب مخفی شدند.





سربازها دوباره برگشتند.

...

Then the soldiers came back.



مادربزرگ تینگی را زیر برگ ها قایم کرد.

...

Grandmother hid Tingi under the leaves.